

نگاهی به تاریخچه پر فراز و فرود تأمین آب مورد نیاز مسجد گوهرشاد

روایت حوض «نظام‌الملک» و ایجاد پُمپ «نیرالدوله»

مرضیه ترابی

شهر مشهد، طی تاریخ ۱۲۰۰ساله‌اش، تقریباً همیشه مشکل آب داشته است، نه اینکه این شهر از حیث محدوده جغرافیایی در منطقه خیلی خشکی قرار گرفته‌باشد، نه! تا پیش از شکل گرفتن مشهد، منطقه‌ای که امروز ما در آن زندگی می‌کنیم، محدوده‌ای از باغات مصفا و زمین‌های زراعی حاصلخیز بود که بخشی از روستای سناباد یا به قول برخی جغرافی دانان، «شهرچه، نوغان محسوب می‌شد. طبعاً چنین فضایی، به آبیاری نیاز دارد و به همین علت رشته‌قنات‌های متعددی در دشت مشهد احداث شده بود که قنات سناباد، یکی از این قنات‌ها. نزدیک‌ترین منبع تأمین آب به محل مرقد مطهر رضوی محسوب می‌شد و بعد‌ها هم، به عنوان نخستین قنات فعال شهر مشهد مرکز توجه قرار گرفت و تا قرن‌ها، به حیات خود ادامه داد. آنچه باعث بروز بحران آب در شهر مشهد می‌شد، صرف‌نظر از کمبود گاه به گاه بارش‌ها، افزایش جمعیت شهر بود. مشهد، به ویژه بعد از ایلغار مغول و ویرانی کامل توس، به عنوان مرکز سیاسی بلوک خود مطرح شد و این مسئله، در کنار امنیت نسبی ناشی از قرار داشتن حرم مطهر امام رضا^(ع) در آن، اسباب مهاجرت‌های گسترده را به این شهر فراهم کرد. طی کمتر از یک قرن، مشهد چنان گسترش یافت که برای زائران و مجاوران حرم رضوی، ساخت مسجد جامعی با ۱۵ هزار نفر جمعیت، ضرورت پیدا کرد و مسجد گوهرشاد، با توجه به همین نیاز بنا شد. پذیرایی از این خیل مشتاقان، نیازمند وجود زیرساخت‌های مناسب بود که تأمین آب، در صدر آن‌ها قرار داشت. به همین دلیل، هم حکمرانان خراسان و هم اُمرا و سیاست‌مدارانی که دولتشان، این شهر را در قلمرو حکومت خود داشت، همواره در پی یافتن راهی برای رفع این مشکل بودند، چنان‌که امیرعلیشیر نوایی، با رساندن آب چشمه «گلَسب» (گیلاس) به مشهد، گامی مهم را در مسیر رفع نیازهای آبی شهر برداشت و بعد‌ها نیز، این نهر راهبردی و مهم شهر، توسط صفویان و سپس، نادرشاه ترمیم و با قنات‌های دیگر تقویت شد. با این حال، مشهد هنوز هم کمبود آب داشت و نیاز بسیاری از خانواده‌ها، با آب چاه‌هایی تأمین می‌شد که در خانه‌ها حفر کرده بودند.

● گوهرشادخاتون وحوض نظام‌الملک
ذکر این مقدمه کافی است تا بدانیم چرا هر مسجد یا مکان وقفی مهم در مشهد، موقوفه‌ای ویژه برای تأمین آب‌داشته‌و دارد، موقوفه‌ای که با حمایت‌های مالی واقف و تمهیداتی که‌وی درباره آن‌اندیشیده، زمینه رفع‌نیاز در این عرصه را فراهم می‌کرده‌است. مسجد گوهرشاد، به عنوان مسجد جامع شهرمشهدویکی از بزرگ‌ترین ومُعظّم‌ترین بناهای جهان اسلام، نیاز ویژه‌ای به تأمین آب داشت. مشهور است که ساخت مسجد گوهرشاد، حدود یازده سال طول کشید، مسجدی که بانی آن گوهرشاد خاتون بود و معمارش، قوام‌الدین شیرازی. نخستین کسی که برای تأمین آب این مسجد بزرگ، فکری کردو تمهیدی اندیشید، بانی آن بود. گوهرشاد خاتون دستور داد حوض بزرگی در مسجد احداث کنند و برای تأمین آب آن و نیز عملیات لای‌رویی و نظافتش، مغازه‌هایی را در بازار مشهد وقف کرد. این حوض، به حوض «نظام‌الملک» مشهور بود. اینکه چرا به این نام خوانده‌می‌شد، شایدبه این دلیل باشد که بخشی از مسجد را روی کاروان‌سرای ساختند که موقوفه خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر سیاستمدار و دانشمند دوره سلجوقی بود.
ظاهر خواجه، با وجود آنکه مذهب شافعی داشت، به

امام هشتم^(ع) ارادت می‌ورزید و حتی نقل است که دست‌پرورده خود، یعنی ملکشاه سلجوقی – بزرگ‌ترین و قدرتمندترین فرمانروای دودمان سلاجقه – را پیش از آنکه بخواهد زمام امور را به دست بگیرد و با مدعیان سلطنت به نزاع برخیزد، شبی به حرم رضوی آورد و از او خواست تا صبح به عبادت مشغول باشد و سپس، تصمیمی مقتضی بگیرد. بگذریم؛ تصمیم گوهرشاد خاتون، مبنی بر تأمین آب از طریق استخدام سقا و به کارگیری «ایاقچی» (آبدار)، ممکن بود در آن زمان جواب بدهد، اما حجم آبی که برای مسجد در نظر گرفته‌بودند، برای ادوار بعدی کافی نبود. به همین دلیل، در دوره‌های بعد، قنات‌هایی که به مسجد گوهرشاد اختصاص داشت، توسعه پیدا کرد و ظاهراً، پایاب آن در همین دوره به داخل مسجد رسید.

زین‌الدین واصفی، مورخ قرن نُهّم و دهم، که کمتر از یک قرن بعد از ساخته شدن

مسجد گوهرشاد از آن دیدن کرده‌است، در کتاب «بدایع الوقایع» می‌نویسد: «به مزار سلطان خراسان رفتیم و در درون مسجد [جامع] پایابی است که مردم در آنجا وضو می‌سازند، در قرن‌های بعدی هم، تلاش برای تأمین آب مورد نیاز مسجد گوهرشاد، با توجه به کثرت جمعیت و ضعیف شدن علمی «دبی» آن) رو به کاهش گذاشت.

● نیرالدوله و نخستین پمپ آب تاریخ مشهد
هر چند که «قنات مسجد»، تا چند قرن مشکل آب مسجد رغوهرشاد را حل کرد، اما به مرور زمان، دو مسئله مهم پیش آمد؛ نخست اینکه با وجود لای‌رویی و نگهداری مناسب، خروجی آب قنات (یا به اصطلاح علمی «دبی» آن) رو به کاهش گذاشت.

منابع پیشین آب، ادامه داشت. در سال ۱۰۲۷ قمری، مهدی قلی بیگ، میرآخور شاه عباس یکم و بانی حمام مشهور میدان سرسنگ مشهد که امروزه به صورت موزه مردم‌شناسی در آمده‌است و در انتهای بازار فرش مشهد قرار دارد، برای تأمین آب مسجد گوهرشاد، قناتی حفر کرد.
آب این قنات از ایوان غربی مسجد وارد آن می‌شد و به همین دلیل، بعد‌ها و پس از احداث دروازه در این قسمت (همان دروازه‌ای که امروز به سمت بست شیخ بهایی باز می‌شود)، آن از آب بعنوان «دروازه آب» یاد کردند. قنات مهدیقلی بیگ هم، به «قنات مسجد» شهرت داشت و البته، آب آن فقط در مسجد گوهرشاد مصرف نمی‌شد و طبق نظر واقف، آب انبار میدان «سرسنگ» و همین‌طور حمام مهدیقلی بیگ هم از آن بهره‌مند بودند. اضافه آب نیز، از مسجد خارج و صرف آبیاری اراضی کشاورزی می‌شد.

● نیرالدوله و نخستین پمپ آب تاریخ مشهد
هر چند که «قنات مسجد»، تا چند قرن مشکل آب مسجد رغوهرشاد را حل کرد، اما به مرور زمان، دو مسئله مهم پیش آمد؛ نخست اینکه با وجود لای‌رویی و نگهداری مناسب، خروجی آب قنات (یا به اصطلاح علمی «دبی» آن) رو به کاهش گذاشت.



کار می‌کرد، مشکل انتقال آب از طریق کانال‌ها را به مسجد گوهرشاد حل کند.
پایبمدی‌ای، عصر روز آخر ذی‌الحجه سال ۱۳۳۳ قمری (۱۶ آبان ۱۲۹۴ خورشیدی)، بالاخره نخستین پمپ آب در تاریخ مشهد فشار مناسب برخوردار نبود و رساندن آن به مسجد، با توجه به پستی و بلندی‌های مسیر و درازای آن، دردسرهای خودش را داشت. سال ۱۳۳۲ قمری، نیرالدوله، حاکم وقت خراسان، تصمیم گرفت این مشکل بزرگ را حل کند. ابتدا خواست با احداث یک قنات جدید، آب بیشتری به مسجد برساند، اما ممکن نبود، هم هزینه سنگینی داشت و هم اینکه با توجه به فعال بودن قنات‌های پرتعداد در مشهد و اطراف آن، نمی‌توانست نتیجه مناسبی داشته باشد. نیرالدوله، بعد از مشورت با مرتضی قلی‌خان طباطبایی، نایب‌التولیه وقت آستان قدس، تصمیم گرفت آب مورد نیاز مسجد گوهرشاد را از طریق ایجاد یک منبع آب بزرگ در اراضی سعدآباد مشهد تأمین کند. این منبع، آب‌های چند قنات را جمع‌آوری و حجم معتنا بهی آب را تأمین می‌کرد، قنات‌هایی که در حالت طبیعی، نمی‌شد آب آن‌ها را باروش سنتی به مسجد گوهرشاد رساند. نیرالدوله تصمیم گرفت با خرید یک پُمپ آب که با نیروی بخار

سقاخانه و ارادت اسماعیل طلا

گروه تاریخ و هویت|
خنکای آب سقاخانه اسمال طلا
خاصه در تابستان خاطره مشترک همه زائران و مجاورانی است که گذرشان برای عرض ارادت به آستان حضرت دوست می‌افتد. روایت هم پیرامونش کم نیست؛ از تبرک جاری آب آن در کاسه‌های چهل دعا نوشته طلایی‌رنگ بگیرد تا ما جرای ساختنش براساس نذر نادرشاه و حتی معروف شدنش به اسماعیل طلا(اسمال طلا) همه و همه سبب شده این نقطه حرم با قصه‌ها هم پهلو شود، در یکی از این حکایت‌ها.
نقالان وراویان می‌گویند، نادرشاه سنگایی قدیمی یکپارچه از سنگ مرمر را که از غنایم فتح هرات بوده است به مشهد می‌فرستد تا در کنار جوی آبی نصب شود که از چشمه گیلاس (گلَسب) آب درون آن که سه کر گنجایش داشت، استفاده کنند. این سقاخانه سال‌ها بعد، به دست یکی از سرداران فتحعلی شاه که به مشهد آمده بود با روکنشی از طلا تزیین می‌شود.

فتو حرم



از کجا دانستی، این سنگ‌ها بدل هستند؟ گفته بود هر کدام فوه داشت، دانستم شیشه است، به دور انداختم. با الجمله گزارش به عرض نواب والا حسام‌الدسلطنه رسیده، حکم به تنبیه او فرمودند.»

این خبر ۲۷ربیع‌الاول ۱۲۷۵ هجری قمری در روزنامه،دولت علیه ایران، چاپ و منتشر شده است

موزه

تاریخ و هویت|
طی جنگ جهانی اول یعنی بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۲۹۴ خورشیدی، دولت آلمان برای مبارزه با تشکیل جبهه متحد نظامیان روس و انگلیس در خاورمیانه، بر آن شد تا طی توافق با انقلابیون ایرانی مقیم همدان و کرمانشاه، مبالغی از پول رایج آن زمان آلمان را به صورت اوراق اسکناس ۵ تا ۱۰۰۰ مارکی به عنوان کمک بلاعوض در اختیار آنان قرار دهد. چون در آن زمان ایرانیان با پول و زبان آلمانی آشنایی نداشتند و ارزش تعویض هریک از اسکناس‌ها رانمی‌دانستند، دولت آلمان ارزش معادل مارک را نسبت به طلا و نقره محاسبه و مبلغ معادل آن را با واحدهای پول رایج آن دوره یعنی قران و شاه‌ی و تومان، به دست آورد و روی اسکناس‌ها آن مبلغ را با مهر قرمز رنگ ثبت کرد.

صدها برگ از اسکناس‌های ایران و جهان، در

هدیه به وسیله خدمتگزاران انجام شود. از قضا آن بسته حامل ماده‌ای (برخی می‌گویند منفجره و عدای نوشته‌اند گردی سمی بوده است) بوده آسیب‌رسان که شاه با این تدبیر در امان می‌ماند. پس از این فتحعلی شاه دستور می‌دهد برای این دورانداشی،

هم وزن سردار اسماعیل خان، سکه‌های طلا به او مرحمت شود. چنین می‌کنند و اسماعیل خان هم طلاها را صرف ساختن جایگاه آن سنگاب می‌کند تا گنبد و پایه‌های سقاخانه با روکنشی از طلا مزین شود. از آن زمان این سقاخانه را به «سقاخانه اسمال طلا» می‌شناسند.



بخش تمیر، تاریخچه پستی و اسکناس آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. در این بخش، به جز اسکناس، هزاران قطعه تمیر و نامه‌های دست‌نوشته، پاکت نامه‌های تمبردار، پاکت‌های مهر روز، کارت‌پستال‌ها و دیگر اقلام پستی از ایران دوران قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای عضو اتحادیه جهانی پست به نمایش گذاشته شده است.



نگاهی به نقش محوری حرم امام رضا(ع) در مبارزات مردمی (بخش سوم)
روایتی دیگر از قیام گوهرشاد

بیات

بررسی تاریخ معاصر نشان از آن دارد که مردم مشهد همواره حرم مطهر امام رضا^(ع) را کانون مبارزات خود علیه استبداد و استکبار قرار داده‌اند. آن‌ها در اعتراض به امتیازنامه رژی در جوار حرم و در مسجد گوهرشاد اجتماع می‌کنند، به دنبال حوادث دوران استبداد صغیر بار دیگر در حرم متحصن می‌شوند، در دوران رضاخان و واقعه گوهرشاد نیز، حرم مطهر امام رضا^(ع) همچنان محلی برای دادخواهی مردم محسوب می‌شود. در نهضت امام خمینی^(ع) نیز مردم حرم مطهر امام رضا^(ع) را بهترین مکان برای مبارزه می‌دانند و در مواقع حساس نهضت به حرم پناه می‌برند و مبارزات خود را از این پایگاه و حول آن سامان می‌دهند. بناست در چهار شماره متوالی برخی نمونه‌های تاریخی از این نقش آفرینی را بررسی کنیم؛ در سومین بخش به نقش محوری حرم در دوران پهلوی اول پرداخته‌ایم.

● قیام گوهرشاد در زمان رضاخان

در دوران رضاخان نیز حرم مطهر امام رضا^(ع) همچنان محلی برای دادخواهی مردم در بزنگاه‌های مختلف محسوب می‌شود که مهم‌ترین آن در تیرماه ۱۳۱۴ و واقعه گوهرشاد پیرو قانون اتحاد شکل است. قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه نخستین بار در چهار ماده و هشت تبصره در جلسه ۶ دی ماه سال ۱۳۰۷ و در دوره هفتم قانون‌گذاری مجلس شورای ملی به تصویب می‌رسد و «کلیه اتباع ذکور ایران که بر حسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند، در داخله مملکت مکلف هستند که ملیس به لباس متحدالشکل شوند.»

مطابق این قانون که در شهرها از اول فروردین ۱۳۰۸ و در روستاها و قصبات از اول فروردین ماه ۱۳۰۹ اجرایی می‌شود، هشت طبقه از جمله مجتهدین، مراجع امور شرعیه دهات و قصبات، مفتیان اهل سنت، پیشنمازان دارای محراب، محدثین، مدرسین فقه و اصول، روحانیون ایرانی غیر مسلم از رعایت قانون مستثنا هستند. «جزای نقدی از یک تا پنج تومان یا حبس از یک تا هفت روز» سبب می‌شود برنامه اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، به سرعت پیش برود و تقاضای وارد کردن کلاه فرنگی از خارج از مرزها هم مطرح شود.

نوع کلاهی که مأموران دولتی و مردم در سال‌های بعدی استفاده می‌کنند، چندین بار تغییر می‌کند تا اینکه وزارت داخله دولت محمدعلی فروغی در ۲۸ سال ۱۳۱۴ در یک بخشنامه امرآنه مردم ایران را ملزم می‌کند که از کلاه پهلوی (یک لبه) دست برداشته و کلاه بین‌المللی تمام لبه به اسم شاپو بر سر بگذارند. شاه فرمان می‌دهد که «همه آحاد ملت کلاه جدید را که طاق آن هموار و دارای آفتاب‌گردان است و به کلاه سربازان انگلیسی شباهت دارد، به‌جای کلاه پهلوی بر سر بگذارند». این بخشنامه و فرمان از تبعات سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۲ خرداد ۱۳۱۳ است که او را مجاب می‌کند تغییراتی اساسی در ساختار فرهنگی ایران پدید بیاورد. سید محسن صدرالاشراف، وزیر عدلیه دولت فروغی، در خاطرات خود درباره مسافرت رضاشاه به ترکیه و تعویض کلاه، می‌نویسد: بعد از مسافرت به ترکیه رضاشاه گفت: «ما باید صورتا و سنتا غربی شویم و باید در قدم اول کلاه‌ها به شاپو تبدیل بشود و هنگام افتتاح مجلس شورا همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجلس کلاه را به عادت غربی‌ها باید بردارند.»

دولت‌کمی بعدی بخشنامه دیگری ابلاغ می‌کندکه طبق آن، مجالس ختم اموات فقط در مساجد معدودی باید برگزار شود که بلدیه (شهرداری) اجازه آن را داده باشد. همچنین استعمال چای، قهوه، قلیان و سیگار در این مجالس ممنوع اعلام می‌شود. این دستورات امرآنه دولت فروغی که به پشتوانه اجرایی شخص رضاشاه اعلام می‌شود بر مردم گران می‌آید و در این میان، مشهدی‌ها پیشتاز اعتراض هستند. از همین رو در جریان اعتراض به وضع موجود و به پیشنهاد احتمالی آیت‌ا... سیدعبدا... شیرازی که تازه به مشهد آمده، آیت‌ا... حاج آقا حسین قمی به تهران می‌رود تا مستقیما با رضاشاه صحبت کند، او را منصرف کند و از او بخواهد که مردم مشهد را به «لباس کفار» درنیارود. سفر آیت‌ا... قمی به تهران نتیجه‌ای ندارد و شاه او را که در باغی نزدیک حرم حضرت عبد‌الغظیم مستقر شده، نمی‌پذیرد. مراجعه بسیاری از مردم و دیدار با آیت‌ا... سبب می‌شود که او را در همان باغ ممنوع الملاقات کنند. خبر حصر آیت‌ا... که با شایعات بسیاری از جمله به زنجیر کشیدن او نیز مزین شده، در مشهد موج جدیدی از اعتراضات را می‌آفریند. نخست بازاریان و بزرگان مشهد به دربار شاه تلگراف می‌زنند و به شکلی نرم خواستار بازگرداندن آیت‌ا... قمی می‌شوند، اما این تلگراف نتیجه‌ای جز دستگیرشدن تمام امضاکنندگانش ندارد. فضای مشهد متشنج‌تر شده، بازاریان در حرم مطهر رضوی تحصن می‌کنند.

در چنین شرایطی شیخ محمدتقی پهلوی کتابادی، واعظ و خطیب عامی خراسان که همیشه رؤیای یاری رساندن به بزرگان اسلام را در سر دارد، با هدف حمایت به یاری آیت‌ا... قمی می‌شنابد که در بند است. او به مشهد می‌آید و بعد از اطلاع از منزل آیت‌ا... قمی به حرم مطهر رضوی می‌رود که بازاریان و بزرگان شهر آنجا تحصن کرده‌اند. پهلول اما پیش از این، به سبب خطابه‌های ضد رضاشاه، تحت تعقیب است و حضورش در حرم باعث می‌شود تا در کشیک‌خانه حرم زندانی شود. به تحریک نواب احتشام رضوی باعث می‌شود که مردم برای آزادی پهلول اقدام کنند. همین قضیه باعث می‌شود که کنترل اوضاع از دست خدام آستانه خارج شود. تحصن مردم با سخنرانی‌های متعدد پهلول و تعداد دیگری از روحانیون معترض ادامه می‌یابد. تداوم این موضوع باعث می‌شود تا نیروهای نظامی در ۱۹ تیر ۱۳۱۴ برای متفرق کردن مردم به مسجد گوهرشاد هجوم ببرند، ولی پس از درگیری مختصری بدون توفیق از اطراف مسجد کنار بروند. روز شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴ برابر با ۲۱ تیر ۱۳۱۴، مسجد دیگر جای سوزن انداختن نیست، شعارهایی ضد سلطنت و ضد کلاه بین‌المللی و ضد «حجاب‌زدایی» داده می‌شود. مردم مسجد یکپارچه سرود مقاومت سر می‌دهند. دولتیان، وحشت خویش را به مرکز خبر می‌دهند. مرکز تلگراف‌خانه مشهد، شاهد رفت‌وآمد شتاب‌زده نمایندگان حکومت است. شاه شخصا دستور صریح ختم ماجرا را صادر می‌کند. تهدیدهای استاندار و بزرگان نظامی شهر برای متفرق کردن متحصنین حرم به جایی نمی‌رسد. مردم که حالا جمعیتشان بسیار زیاد شده خواستار آزادی بدون قیدوشرط حاج آقا قمی و ممانعت از اجرای طرح تغییر لباس در مشهد هستند. جمعیت روستاهای اطراف هم به سمت حرم راه می‌افتند؛ همین امر سبب می‌شود که نیروهای نظامی در سحرگاه ۲۳ تیر هجوم همه جانبه‌ای را به طرف مسجد گوهرشاد آغاز کنند که پایگاه اصلی متحصنین حرم، به این اقدام که به کشت و زخمی‌شدن تعدادی از حاضران در مسجد منجر می‌شود، مقاومت مردم را در هم می‌شکند، اما بار دیگر بر اهمیت و جایگاه حرم مطهر رضوی در حرکت‌های اعتراضی مردم مشهد صحه می‌گذارد، این بار به‌عنوان مأمَن نخستین اعتراض جمعی به دیکتاتوری رضاشاه.